



درباره تاريخ انقضا

ساوجبلاغ/ زکی آباد

غالبانقاشی هایم را به محدوده فلان و مجموعه بیسار تقلیل نمی دهم. نقاشی برای من سفری است در جستجوی فرمی بیانگر و یا به اعتباری یافتن فرمی ست که توانایی افشای موقعیت اکنون را داشته باشد. نمی دانم که آیا اساسا فرم توان و امکان ِ طعنه زدن به چنین و خامتی را دارد یا نه؟ اما "تاریخ انقضا" برایم بسان گذرگاهی ست که همزمان هراسی از تکرارِ شکست و امیدی مه آلود از پایان او را می دهد. فرمی که سقوطِ ناگریز این تکرارِ پیر و کور را افشا کند و من، مدام به آن لحظه فکر می کنم، لبخند می زنم، به سمت چنین فرمی کشری می آیم و با این ترفند لحظات را تاب می آورم.

"About the Expiration Date" I often do not limit my Painting to a specific 'this range' or 'that collection'. Painting for me is a journey in search of an expressive form, or rather, finding a form that has the ability to reveal the present situation. I don't know wether or not the form even has the capacity and possibility to mock such a severity. does it? But the "expiration date" for me is like a passage that simultaneously instills a fear of repeating failure and a hazy hope for its end; a form that reveals the inevitable fall of this blind and old repetition, and I constantly think about that moment, smile, gravitate towards such a form and endure the moments with this trick.



























خیابان قائم مقام فراهانی اخیابان مشاهیر اکوچه ی بهرامی ایلاک

No.5| Bahrami Alley | Mashahir St.| Qaem Maqam-e-Farahani St.| Tehran | Iran